

سرشناسه : ضرغامپور ، خلیل ، ۱۳۵۲ - گردآورنده
عنوان و پدیدآور : قابهای ملکوتی/ به اهتمام خلیل ضرغامپور.

مشخصات نشر : اهواز: خوزان ، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۹۰ ص: مصور (بخشی رنگی) ، عکس (بخش رنگی) : ۱۵*۱۵ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۵۲-۹-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

موضوع : شهیدان -- ایران

موضوع : Martyrs -- Iran

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان

موضوع : Martyrs-Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸

موضوع : هنرمندان -- ایران

موضوع : Artists -- Iran

کتابشناسی : ۱۳۹۷ ق ۲ ض ۱۶۲۵ DSR

کتابشناسی : ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شمار کتابخانه ملی : ۵۱۶۳۶۱۳

قابهای ملکوتی

به اهتمام خلیل ضرغامپور

چاپ اول : ۱۳۹۷ / شمارگان : ۱۰۰۰ جلد

(نشر : ناوود مالکی)

طراح جلد و صفحه آرا : هومان هادی زاده

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۵۲-۹-۵

حق چاپ برای مولف محفوظ است.

نشر خوزان

khuzan.pub@gmail.com

کد پستی : ۶۱۸۵۶-۳۸۱۴۱

تلفن : ۰۹۱۶۵۴۰۹۱۹۷



نقاش : هوشنگ مکوندی

فہرست

۱		ن گردآورنده
۲		
۶		ای ملکوتی
۷		ہنرمند شہید احمد علی اردلان
۱۰		ہنرمند شہید محمد زمان القاسی
۱۳		ہنرمند شہید محمد رضا موذنی
۱۶		ہنرمند شہید سجاد حیم پور
۱۹		ہنرمند شہید محمد پرانیہ
۲۲		ہنرمند شہید محمد رضا خادمان
۲۵		ہنرمند شہید عبدالمحمد اردی زادہ
۲۸		ہنرمند شہید جلیل ضرغامپور
۳۱		ہنرمند شہید احمد منجزی
۳۴		ہنرمند شہید اسماعیل قصاب نژاد
۳۷		ہنرمند شہید علی حسین زادہ
۴۰		ہنرمند شہید حسن منجزی
۴۳		ہنرمند شہید غلامعلی مظلوم
۴۶		ہنرمند شہید سید مجید مصطفائی
۴۹		ہنرمند شہید ابراہیم مشہدی زادہ
۵۲		ہنرمند شہید رجبعلی اسدپور

- ۵ هنرمند شهید هاشم زراعتکار
- ۸ هنرمند شهید علیرضا شهامی
- ۱ هنرمند شهید دکتر سید محمد جواد شرافت
- ۴ هنرمند شهید بهرام دلاور فرد
- ۷ هنرمند شهید غلامرضا پور قیطاس
- ۱۰ خاطره ای از هنرمند شهید محمد زمان القاسی
- ۲ پلانی از جند قاب
- ۱۲ سکانسی از اولین یادواره



خوشبای سرنخ کو؛ بادورهای سرنخ کو؛ لجندهای سرنخ کو؛

لجندهای سرنخ که خشکیده برلبهای ترکیده، آناخن سرنخ از شیار ترکهایش

همچنان بباریت جاریست تا امروزان را... آینده مان، اگر نه دبر جان آندی

که عاشقانه ترین آثاری و در راه صوتی زیبا سپردند و با قلمی نوشتند و کشیدند و در گوشت

ملکوتی صحنه فسرید و برآوردن باجمه که روزی در تلبها و ذبین با همچون پلاکهای بستی

نصب خیم شد و بدو آن گنجه خود بدست آورد و اسراریدان ماندند و دستهای

مهربانی آنها را در دل قابی چوبی حک نمود و بر یوای نصب کرد و سرنخ جام کاشی

از خاک سرنخ کر بلای سهر در دل جانمان جاری کشند بی آنکه بداییم و نوحه بسیم

جاری شدند سرنخ تراز سرنخ و جاری خواهند ماند تا روزی که از یاد زرد دقتی

سردار شهیدی که گفت؛ گواه باشید که بعد از ما سئوید.

خلیل ضرغامپور

مقدمه



برداشت اول : (بودن ما و نبودن آنها)

قصه ی به سر رفتن و به سر رسیدن و سردادن قصه ی تلخ و شیرین سرداران نیست که سر بودند و هنر در بی سقفی زمان سرورن می کنند . حتی حالا که طوفانها نشسته اند و هفت آسمان خیال تخت آبی ایستاده است ... ؛ حتی حالا که جایی بالاتر از این که خاک نام دارد نیستم ! ... راستی چه قدر می شود باران نوشت ؟! چه قدر می شود به همین چند پلاک که تاب برداشته اند و بی تابی می کنند با همین دل زبانی که تاب ندارد دریا ... ؛ چه قدر می شود طوفان فشانند و موج گرفت ؟! چه قدر می شود آب به صورت جهان پاشید در این خواب عمیق ... شاید به بیداریش بکوشد که شرم کند از این همه سردی و سکوت ما نشسته ایم ... بی بی نشسته است ... پرنده سسته است کنار حوض بی ماهی ... و ماه دلش تنگ شده برای یکبار حتی یکبار بوسیدن ماهی هایی که ... نیستند ! راستی ماهی ها ماه بودند و رفتند آسمان ... اگر ما نبودند که مثل ما کنار همین حوض می نشست ... و شعر می نوشتند ! اشکی هم نمانده تا به حوض بریزد ... حالا ما شدیم شاعر آسمانی که پراز ماه است و ماهی ... انسان برای حال خودمان دارد می سوزد که کج خاکیم و ماه ها کجا ؟! ... و ماه ها و سالها ... ها میگذرند بی آنکه بودن ما معلوم باشد و نبودن آنها ! می خواهم مثل بی بی ؛ مثل پدر ... ماهی چشم های خیره به در همسایگر کارون به احترام نخل های بی سر قیام کنم ... سکوت مرا صدامی رسم و بزه ماهه شاعر می شوم برای دفاع از که بر سرش جنگ راه افتاد ! حالا دفاع طعم وطن داشته باشد یا شهر یا ... چه یا خانه فرقی نمی کند و این سفره از قراری خوب هنوز پهن است ... دفاع کردیم برای آنچه از ما باقی مانده بود ! آنچه میراث مان شد و چه قدر این باقی مانده ها عزیزند !! حالا ما تنها خواستیم درست در همسایگی کارون به احترام نخل های بی سر قیام کنیم ! همین ... !



داشت دوم : (چهل پیر)

شوستر ! شهر آب ها و آبشارها ! شهر برج و باروهای ایستاده بر فراز تاریخ ... شهر مسجد و منبر
سجاده ! مهد علم و فرهنگ و هنر ... به راستی درخناکای کارون این شهر چه دریاها چه آفتاب ها
چه آسمانها که آشیان ساخته اند ... حضور متعالی و تاثیر گذار علمای شهیر این دیار باستانی چو
شیخ جعفر شوشتری ، شیخ محمدتقی شیخ شوشتری ، سید نعمت ا... جزایری ، حکیم وفایی ، سید آل
لیب و ... اهمیت این خفته و سرهنگی را دو چندان می سازد ... شوستر ... شهر چهل پیر ...

داشت سوم : (قاب های ملکوتی)

درکنار این همه نشانه ی دهنده ی هنری شهدای سرافراز شوستر معنویت خاص به
روح حاکم براین دیار بخشیده اند ... بی شک با حضور شهدا ، این شهر جلوه گاه هیست
شهامت و شهادت ، آنگاه که به ایثارشان مستعدان با دیده ی جان ... دراین میان و از خیل
بن همه شهید ، هنرمندانی بودند که با خون مقدس خود ، مهر تأییدی زدند بر هنر جاودانه
خود ، که همانا شهادت بود ... هنرمندانی که قلم ، کاغذ و بوم رنگ و صحنه و دوربین را
نار زدند و تفنگ به دست گرفتند تا مگر زیر پرچم مقدس اسلام ناب محمدی (ص) لبیک
ویان در راه وطن و امام و انقلاب به شکلی دیگر هنرمایی کنند و از ان شان مایه بگذارند ...
به راستی چه قدر امام دردل و جان شان رخنه کرد که وقتی فرمودند : شهادت هنرمردان
فداست ، درنگ نکردند و هنر را درآن دیدند که بروند تا کسی نیاید ... کسانی نیابند که ناموس
شرف و خاک مقدس مان را به تاراج ببرند ... درود بر دلاورمردی این همه مرد که جانانه
منگیدند تا ایران بماند و هنرایرانی اسلامی ...

برداشت چهارم : (یادواره)

بسیج هنرمندان شهرستان شوشتر به جهت پاسداشت هنرمندان شهید این دیار دلاور خیز و ها
پرور ، با مشارکت همه ی خادمان نظام و انقلاب ، همایش یادواره ی هنرمندان شهید را طرح ریزی
اجرا نمود که ادای دینی است به همه ی هنرمندانی که در راه آزادی این سرزمین شهید شدند . برخو
وظیفه می دانم از تلاش و ممارست همه ی دست اندرکاران این رویداد ارزشی قدردانی نمایم . براو
این عزیزان از درگاه باری تعالی سربلندی و سرافرازی مسئلت دارم .

علی بهرامی
رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی
شهرستان شوشتر